

محسن رضایی: خروج ایران از «ان بی تی» به رفتار واشنگتن بستگی دارد

هشدار هسته‌ای به ترامپ

صفحه ۲

یکشنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۵ | ۸ ربيع الثانی ۱۴۴۸ | ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۴ | سال هجدهم | شماره ۴۷۱۳ | صفحه ۱۰ هزار تومان

تیتترهای امروز



اقتصاد آمریکا میان شورش فدرال رزرو و ماجرای انرژی در خاورمیانه گرفتار شد

کابوس نرخ بهره

- فرمان اقتصاد از دست ترامپ خارج می‌شود؟
- وقتی ابزارهای پولی آمریکا در برابر توفان انرژی در یاها خلع سلاح می‌شود

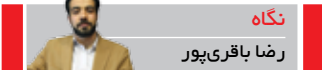
صفحه ۴

گزارش «وطن امروز» از دستور رئیس جمهور آمریکا برای اخراج رسانه‌های منتقد از کاخ سفید

دهان‌بند ترامپی!

صفحه ۲

طرح مرزهای آتشین علیه ایران



نگاه رضا باقری‌پور

در میانه جنگی که طی ماه‌های گذشته بخش عمده توجه افکار عمومی و محافل نظامی را به حملات هوایی، موشکی و تحولات جبهه‌های اصلی معطوف کرده، یک مساله مهم‌تر و کم‌رسو‌تر در حال شکل‌گیری است:امنیت ایران فقط در نقاطی که مستقیما زیر آتش قرار دارند به چالش کشیده نمی‌شود، بلکه در حاشیه مرزهای کشور نیز مجموعه‌ای از تحركات نظامی، امنیتی و هویتی در حال انباشته شدن است. هیچ‌یک از این تحولات به‌تنهایی برای اثبات وجود یک طرح مهابتگ علیه ایران کافی نیست اما کنار هم قرار گرفتن آنها، در شرایطی که کشور درگیر یک جنگ فرسایشی و چندلایه است، نمی‌تواند صرفا به عنوان مجموعه‌ای از اتفاقات جدا از یکدیگر نادیده گرفته شود.

این موضوع حتی پیش از آغاز جنگ نیز محاسبات مربوط به آینده مناقشه ایران و آمریکا وجود داشت. در روزهای نخست جنگ، مساله فغال شدن گروهک‌های تروریست قومی معاند در مناطق پیرامونی ایران به طور جدی در رسانه‌ها و محافل تحلیلی مطرح شد. مهم‌ترین مورد، گروهک‌های کرد مستقر در اقلیم شمال عراق بود. دونالد ترامپ ۵ مارس در گفت‌وگو با رویترز به صراحت از ایده ورود تروریست‌های کرد مستقر در عراق به داخل ایران حمایت کرد و گفت اگر آنها بخواهند علیه نیروهای امنیتی ایران عملیات کنند، از این اقدام استقبال می‌کند. همزمان رویترز گزارش داد گروه‌های کرد ایرانی درباره چگونگی و امکان حمله به نیروهای امنیتی ایران با طرف آمریکایی در تماسند. گزارش واشنگتن‌پست در همان مقطع حتی از تماس دولت ترامپ با رهبران تجزیه‌طلبان کرد و پیشنهاد حمایت هوایی و پشتیبانی لجستیکی برای تلاش گروهک‌های کرد جهت تصرف بخش‌هایی از غرب ایران خبر می‌داد. چند هفته بعد، رویترز گزارش داد این امیدها در نهایت محقق نشد و پیام‌های متناقض واشنگتن، فشار نظامی ایران و ملاحظات رهبران کردعراقی مانع شکل‌گیری آن تهاجم شد. مرکز کارنگی نیز ماه ژوئیه نوشت طرح حمله گسترده کردها به ایران در جریان جنگ اجرا نشد، هر چند در همان دوره درگیری‌هایی میان گروهک‌های کرد و نیروهای ایرانی رخ داد.

اهمیت این تجربه در آن است که نشان می‌دهد ایده استفاده از شکاف‌های قومی و مرزی در یک جنگ بزرگ علیه ایران صرفا یک فرض انتزاعی نیست.

ادامه در صفحه ۲

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

وطن امروز

صفحه ۲

۱۹۹۲ سال و ۳۰ روز گذشت |

عقب مانده!

ناکامی رافائل گروسی در رأی‌گیری‌های غیر رسمی سازمان ملل برای انتخاب دبیر کل جدید

صفحه ۳

ولادت باسعادت ابن الرضا حضرت امام حسن عسکری علیه السلام را تبریک می‌گوییم

واشنگتن پست به نقل از ۶ مقام مطلع از اطلاعات وزارت جنگ آمریکا: تعداد نظامیان آمریکایی کشته‌شده در جنگ علیه ایران بیشتر از آمار رسمی پنتاگون است

خبر مرگ‌شان

صفحه ۲

۱۰ نکته درباره ارزیابی راهبردی از دفاع مقدس در برابر آمریکا و رژیم صهیونی

ایران «فقط شکست نخورد» یا ماجرا بسیار فراتر است؟

می‌توانست از اقتصاد جهانی به عنوان ابزار فشار علیه دیگر کشورها استفاده کند.

تحریم، محاصره مالی، کنترل شبکه بانکی، فشار بر صادرات نفت، تهدید شرک‌تها و سوءاستفاده از دلار، بخش مهمی از قدرت آمریکا بود. در این جنگ اما یک اتفاق معنادار رخ داد و آن اینکه برای نخستین‌بار در این سطح، یک کشور تحت تحریم توانست از موقعیت ژئوپلیتیک و توانمندی نظامی و قدرت سیاسی و اجتماعی خود برای انتقال هزینه جنگ به اقتصاد آمریکا و اقتصاد دنیا استفاده کند.

تنگه هرمز، بازار انرژی، هزینه بیمه، حمل‌ونقل دریایی، قیمت سوخت، تورم و بازارهای مالی همگی به بخشی از میدان جنگ تبدیل شدند. این یک تحول مهم در منطق بازدارندگی بود.

۸- میدان جنگ از جغرافیای ایران و جهان خارج و وارد محاسبات داخلی آمریکا شد

یکی از مهم‌ترین موفقیت‌های راهبردی ایران دقیقا در همین نقطه است. آمریکا تصور می‌کرد می‌تواند میدان جنگ را از نظر جغرافیایی در ایران و از نظر اقتصادی در منطقه یا محدود به چین نگه دارد اما افزایش هزینه انرژی، مصرف ذخایر مهمات، فشار بر سامانه‌های پدافندی، هزینه حفاظت از پایگاه‌ها و تأثیر جنگ بر بازارها باعث شد بخشی از جنگ مستقیما وارد محاسبات داخلی آمریکا شود، لذا حالا مساله دیگر فقط این نیست که ایران چه میزان خسارت نظامی به آمریکا وارد می‌کند، بلکه این است که هر روز ادامه جنگ برای واشنگتن چه هزینه‌نظامی، اقتصادی، سیاسی‌والتخاباتی ای ایجاد می‌کند؟

۹- ستون‌های قدرت آمریکا با بزرگ‌ترین چالش تاریخی خود مواجه شده‌اند

اگر بخواهیم مساله را در سطح بالاتری تحلیل کنیم، آمریکا طی چند دهه اخیر سلطه جهانی خود را عمدتا بر ۳ ستون بنا کرده است:

الف) قدرت نظامی

ننه صرفا قدرت آتش، بلکه ایسن تصور که فناوری نظامی آمریکا دست‌نیافتنی است، پایگاه‌های آمریکامن هستند، شبکه اطلاعاتی آمریکا دسترسی ناپذیر است و ورود به جنگ با آمریکا برای هر کشوری هزینه‌ای تحمل‌ناپذیر خواهد داشت. جنگ اخیر این تصویر را به طور کامل فروریخت.

ادامه در صفحه ۲

۵- اهمیت جهانی شکسته شدن «هیبت فناوری آمریکا» حتی مهم‌تر از خسارات مستقیم، تأثیر روانی و راهبردی چنین تحولاتی بر نظام بین‌الملل است. هرگاه سامانه‌ای که نماد برتری فناوری آمریکا محسوب می‌شود، آسیب‌پذیر شود، اثر آن صرفا در همان میدان نبرد باقی نمی‌ماند، بلکه ۲ گروه این تحول را با دقت مشاهده می‌کنند: رقبای آمریکا و متحدان آن. رقبای واشنگتن از این تجربه می‌آموزند می‌توان برای مقابله بافناوری‌های پیشرفته آمریکا راه‌حل پیدا کرد. این امر اعتماد به نفس آنها را افزایش می‌دهد و در نبردهای آتی در دنیا بسیار تأثیر گذار است.

شماره‌فتر رئیس‌جمهور چین با ترامپ را بعد از جنگ ۴۰ روزه ببینید؛‌شی چین‌پینگ به‌واسطه شگفتی‌سازی ایران، از جایگاه متفاوت‌تری نسبت به قبل با وی مواجه شد. آمریکا معنی این مساله را به‌خوبی می‌داند! در سوی دیگر، متحدان آمریکا نیز یک سؤال اساسی مطرح می‌کنند: اگر در یک بحران بزرگ، پایگاه‌های آمریکا، سامانه‌های پیشرفته آن و شبکه دفاعی واشنگتن خود نیازمند حفاظت گسترده باشند، آن کشور تا چه اندازه قادر است امنیت متحدان خود را نیز تضمین کند؟ دقیقا همین جاست که خسارات نظامی به خسارات ژئوپلیتیک تبدیل می‌شود.

۶- تغییر محاسبات متحدان آمریکا

کشورهای منطقه به‌تدریج در حال درک یک واقعیتند: وابستگی امنیتی به آمریکا خود می‌تواند تولیدکننده نامنی باشد. اگر یک کشور معماری امنیتی خود را بر حمایت واشنگتن بنا کند، در لحظه‌ای که آمریکا وارد جنگ شود، همان کشور ممکن است به بخشی از

جغرافیای جنگ تبدیل شود. از همین رو، حرکت برخی کشور‌های منطقه به سمت متنوع‌سازی روابط خارجی، کاهش وابستگی امنیتی یک‌جانبه، گفت‌وگوهای پیش و پس پرده با ایران و ایجاد سازوکار‌های امنیت منطقه‌ای را باید در همین چارچوب تحلیل کرد.

آنچه در حال تغییر است، صرفا یک ائتلاف یا یک پیمان نیست، بلکه مبنای ذهنی معماری امنیتی منطقه است. پس آیا می‌توان شکست آمریکا را فقط به این جمله مصونیت نثار«؟ این در حالی است که ایران یک کشور اهداف‌شان را محقق کنند؟ خیر! آنها ارکان قدرت خود را در این جنگ از دست دادند.

۷- ایران معادله «اقتصاد جنگ» را معکوس کرد

دهه‌ها آمریکا یکی از معدود قدرت‌هایی بود که

گزارش‌های موقتی که درباره هدف قرار گرفتن مراکز حساس و تأسیسات اطلاعاتی آمریکا در منطقه توسط خود رسانه‌های آمریکایی منتشر شده – و البته بخش مهمی از حقیقت همچنان ناگفته مانده است – صرف نظر از اذعان به خسارت چندده میلیارد دلاری مراکز سازمان تروریستی – جاسوسی سیا در منطقه، حامل یک پیام مهم بود:حالا پنهان‌ترین شبکه‌اطلاعاتی آمریکا نیز زیر ضرب ایران است.

این مساله برای کشوری که ادعای قدرت جهانی دارد بسیار مهم است. زیرا اعتبار سازمان اطلاعاتی یا مرکز فرماندهی فقط به توان جمع‌آوری اطلاعات نیست، بلکه به این تصور نیز وابسته است که خود آن ساختار از دسترس دشمن مصون است. وقتی این تصور، آن هم درباره سازمان سیا شکسته شود، هزینه امنیتی حضور آمریکا به طور تصاعدی افزایش می‌یابد.

۴- مُهر پایان ایران بر اسطوره «برتری مطلق فناوری نظامی آمریکا»

یکی دیگر از نتایج مهم جنگ، به چالش کشیده شدن تصور دست‌نیافتنی بودن فناوری نظامی آمریکا بود. بخش مهمی از امکان سلطه و قدرت نظامی آمریکا صرفا ناشی از تعداد جنگنده، پهپاد، ناو یا سامانه پدافندی آن نیست، بخش مهم‌تر، اعتبار فناوری روسیه!

دهه‌ها این تصویر ساخته شده بود که پیشرفته‌ترین سامانه‌های آمریکایی از چنان برتری فناورانه‌ای برخوردارند که رقبا اساسا قادر به رقابت یا هیچ‌گونه مقابله‌ای با آنها نیستند؛ حتی رقبایی مانند چین یا روسیه!

اما در این جنگ، سامانه‌های هوایی، پهپادی، دریایی، پشتیبانی و اطلاعاتی آمریکا در معرض ضربه قرار گرفت و موارد مختلفی از اصابت، آسیب یا از دست رفتن تجهیزات پیشرفته گزارش شد. ایران با انهدام ناموس‌های نظامی آمریکا چه در حوزه جنگنده‌ها (اف ۳۵) و چه در حوزه سوخت‌رسان‌ها، چه در حوزه پهپادها، چه در حوزه زهپادها و شهپادها و شهپادهای خود را نشان داد «هیچ تکنولوژی نظامی آمریکایی در این جنگ شکست نخورد». مراکز حساس و زیرساخت‌های پنهان آن را از دسترس رقبا خارج می‌کند اما در جریان جنگ ایران نشان داد مساله فقط داشتن موشک یا پهپاد نیست، پیش‌شرط هر حمله دقیق کشف، شناسایی و تولید اطلاعات هدف است.

جنگ نشان داد اگر امنیت ایران مورد تعرض قرار گیرد، امنیت همه چیز در دنیا به مخاطره می‌افتد و آمریکا عاجزتر از آن است که بدون تحمل هزینه بسیار سنگین، نبردی را با ایران آغاز کند. این یک تغییر بسیار مهم در معادله است.

۲- شبکه پایگاه‌های آمریکا و تبدیل یک مزیت

راهبردی به یک آسیب‌پذیری راهبردی

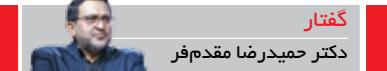
دومین تحول مهم به شبکه پایگاه‌های آمریکا در منطقه مربوط است. آمریکا طی دهه‌های گذشته ده‌ها و شاید صدها تریلیون دلار هزینه کرده تا زنجیره‌ای از پایگاه‌ها، مراکز فرماندهی، تأسیسات لجستیک، فرودگاه‌ها، مراکز اطلاعاتی و زیرساخت‌های نظامی را از خلیج فارس تا شرق مدیترانه ایجاد کند.

این شبکه یکی از مهم‌ترین ابزارهای اعمال سلطه و قدرت آمریکا بود اما جنگ، یک تناقض بنیادین را آشکار کرد: هر پایگاهی که برای آمریکا ابزار اعمال قدرت بود، در جنگ علیه ایران به یک آسیب‌پذیری بزرگ و یک آبروریزی تاریخی برای آمریکا تبدیل شد.

ایران نشان داد حضور آمریکا نه‌تنها «قدرت» تولید نمی‌کند، بلکه «آسیب‌پذیری» بالایی نیز ایجاد می‌کند، چرا که وقتی پایگاه، مرکز لجستیک، سامانه راداری، انبار مهمات یا زیرساخت عملیاتی آمریکا در برد تسلیحات ایران و زیر ضرب موشک‌ها می‌قرار می‌گیرد، واشنگتن ناچار است بخش بزرگی از توان خود را نه برای حمله، بلکه برای حفاظت از همان شبکه‌ای مصرف کند که قرار بود ابزار برتری آن باشد و البته در این حفاظت هم ناکام ماند، به شکلی که پایگاه‌های آمریکا در منطقه به خاکستر ناشی از قدرت و ابهت ایران تبدیل شده‌اند.

به این نکته توجه کنید که از بعد از جنگ دوم جهانی هیچ کشوری به پایگاه‌های آمریکا در جهان حمله نکرده بود؛ نخستین‌بار ایران در سال ۱۳۹۸ این کار را انجام داد و حالا در این نبرد، ایران همه پایگاه‌های آمریکا را از خلیج فارس تا دریای مدیترانه زیر ضرب برده است. این بزرگ‌ترین چالش نظامی آمریکا بعد از جنگ دوم جهانی است.

۳- شکسته شدن اسطوره «اطلاعاتی» آمریکا موضوع سوم، حوزه اطلاعاتی است. سال‌ها این تصور وجود داشت که برتری اطلاعاتی و فناورانه آمریکا، شبکه‌های اطلاعاتی، مراکز حساس و زیرساخت‌های پنهان آن را از دسترس رقبا خارج می‌کند اما در جریان جنگ ایران نشان داد مساله فقط داشتن موشک یا پهپاد نیست، پیش‌شرط هر حمله دقیق کشف، شناسایی و تولید اطلاعات هدف است.



گفتار دکتر حمیدرضا مقدم‌فر

دکتر حمیدرضا مقدم‌فر، استاد دانشگاه طی سخنانی در جمع اساتید دانشگاه‌های مشهد و برخی دیگر از شهرستان‌های استان خراسان رضوی، به طرح یک ارزیابی راهبردی از نتایج نبرد مقدس ایران علیه جنگ‌افروزی‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی در جنگ ۱۲ روزه و سپس جنگ رمضان و نبرد هرمز پرداخت. آنچه در ذیل می‌آید متن سخنان دکتر مقدم‌فر در این همایش است.

آیا آمریکا صرفا در تحقق اهدافش ناکام ماند یا ایران تغییر بزرگی در نظم امنیتی-نظامی در جهان ایجاد کرد؟ این مساله مهمی است، چرا که این روزها برخی تحلیلگران شکست آمریکا را صرفا به ناکامی در تحقق اهدافش علیه ایران تقلیل می‌دهند و بر همین اساس برخی نسخه‌های غلط را برای کشور تجویز می‌کنند.

شاید اشاره به یک جمع‌بندی روشن‌تر از جنگ، برخی ذهنیت‌ها را در این زمینه اصلاح کند و اهمیت فوق‌العاده پیروزی ایران را بیشتر نشان دهد. آمریکایی‌ها با همراهی صهیونیست‌ها و برخی متحدان دیگر شان در یک جنگ تمام‌عیار نظامی علیه ایران به‌وضوح شکست خوردند و نتوانستند به اهداف خود برسند اما شکست آمریکا را نباید صرفا در «عدم دستیابی به اهداف» خلاصه کرد، این فقط یک بُعد ماجراست.

آنچه در این جنگ اتفاق افتاد، از منظر راهبردی بسیار عمیق‌تر و تعیین‌کننده‌تر از ناکامی آمریکا در تحقق چند هدف نظامی یا سیاسی بود. آمریکا نه‌تنها نتوانست اراده خود را بر ایران تحمیل کند، بلکه در جریان این تقابیل، مهم‌ترین مزیت‌ها، اعتبارها و گلوگاه‌های قدرت خود را نیز از دست داد و حالا بدون شک جهان با یک تغییر نظم امنیتی-نظامی در دنیا مواجه شده است.

به بیان دیگر، آمریکا صرفا در دستیابی به هدف شکست نخورد، بلکه سازوکار تولید قدرت آمریکا نیز در این جنگ به چالش کشیده شد.

این مساله را باید در چند بُعد دید:

۱- تنگه هرمز و به چالش کشیده شدن قدرت آمریکا در یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های ژئوپلیتیک جهان

نخستین تحول بزرگ، تنگه هرمز بود. ایران توانست طی ماه‌های جنگ نشان دهد آمریکا، با وجود برخورداری از بزرگ‌ترین نیروی دریایی جهان و دهه‌ها حضور نظامی در خلیج فارس، قادر نیست اراده خود را بر مهم‌ترین

گذرگاه انرژی جهان تحمیل کند. البته اهمیت این مساله فقط در کنترل یک آبراه نیست، مساله این است که دهه‌ها یکی از مبانی حضور نظامی آمریکا در منطقه، همچنین سلطه آن بر جهان این ادعا بود که واشنگتن «تضمین‌کننده امنیت جریان انرژی و آزادی کشتیرانی» است اما